

نقش انجمن‌های دوستی در توسعه دیپلماسی فرهنگی

علی اکبر رضائی^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

کامران نژادلطفی^۲

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۷/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۹/۲۶

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش انجمن‌های دوستی در توسعه دیپلماسی فرهنگی پرداخته، و سعی دارد با تکیه بر نظریه‌های فراملی‌گرایی و قدرت نرم، اهمیت سازمان‌های غیردولتی را به عنوان نهادهایی مدنی در روابط بین‌المللی جهان امروز مورد بحث قرار دهد. سپس از طریق روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه و با تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از آن به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که تا چه اندازه انجمن‌های دوستی می‌توانند در توسعه دیپلماسی فرهنگی اثرگذار باشند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین موانع و مشکلات بر سر راه انجمن‌های دوستی، ابتدا موانع ذهنی می‌باشد و عوامل عینی و امکانات مادی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. هم‌چنین در این پژوهش پاسخ دهندگان بر واگذاری برخی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌های دولتی در قالب پروژه به انجمن‌های دوستی تأکید نموده‌اند و آن را موجب هماهنگی بخش دولتی و خصوصی و استفاده بهینه از ظرفیت‌های یکدیگر در نیل به اهداف دیپلماسی فرهنگی کشور دانسته‌اند. **واژه‌های کلیدی:** روابط فرهنگی، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های دوستی، دیپلماسی فرهنگی.

1. dr.rezae50@yahoo.com

2. lotfikam56@gmail.com

اگرچه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند اما ایجاد سازمان‌های غیردولتی به مفهوم امروزی به قرن نوزدهم باز می‌گردد. مشاهدات نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی اولین بار در غرب و به‌طور عمده در اروپا به‌وجود آمده‌اند. بسیاری معتقدند نفرت و دلزدگی ناشی از فجایع جنگ‌های جهانی به‌ویژه جنگ جهانی دوم، سبب شد تا ملت‌ها همپا با نوسازی خویش، به‌تدریج به ضرورت مشارکت در امور مربوط به کشور و حکومت خود پی برده و با سازماندهی خویش در چارچوب‌هایی همانند سازمان‌های غیردولتی، نوع همکاری و تعامل با دولت را نهادینه سازند که این تحول خود ریشه در رشد مفهوم «جامعه مدنی جهانی» دارد (گلشن پژوه، ۱۳۸۱: ۱۱). البته عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در ماده ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان آمده است به وجود آمد.^۱ به‌طور کلی سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان بخشی از «جامعه مدنی»^۲ می‌باشند و در حقیقت قله قابل دید جامعه مدنی هستند. در دهه‌های گذشته سازمان‌های غیردولتی به نیروی مهمی برای همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف علائق بشری مبدل گشته‌اند و مسئولیت‌هایی را پذیرفته‌اند. این تشکلهای داوطلبانه که با تنوع در شکل، عضویت، اهداف، میزان تخصص و دست‌آوردها با یکدیگر تفاوت دارند به‌عنوان واکنشی مسئولانه از طرف مردم جهان با هدف مشارکت و تأثیرگذاری در عرصه‌های زندگی اجتماعی مطرح هستند. سازمان‌های غیردولتی با فعالیت در سطوح مختلف با شبکه وسیعی از ارتباطات بین‌المللی و با استفاده از اطلاعات کارشناسی می‌تواند در زمینه‌های گوناگون همکاری‌های بین‌المللی نقش بازی نمایند. یکی از این زمینه‌ها روابط فرهنگی بین‌المللی است (مصفا، ۱۳۸۶: ۳۹۸). از طرفی به اعتقاد صاحب‌نظران کامیابی و موفقیت در سیاست خارجی به‌طور عام و در حوزه تغییر چهره و تصویر یک کشور در



۱. ویکی پدیا دانشنامه آزاد- سازمان‌های غیردولتی Global civil society

۲. اصطلاح جامعه مدنی معمولاً در مقابل دولت به حوزه‌ای از روابط اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از دخالت قدرت سیاسی است. اگر ویژگی اصلی دولت ساخت قدرت آمرانه و تابعیت باشد. در آن صورت جامعه مدنی فاقد چنین ساختی است. جامعه مدنی در واقع حوزه اقتدار جامعه را نشان می‌دهد و اینکه جامعه تا چه اندازه می‌تواند در مقابل دولت از خواست‌های خود دفاع کند. وسعت حوزه‌های اقتدار در این دوبخش (جامعه و دولت) می‌تواند براساس بازی با حاصل جمع جبری صفر مورد ارزیابی قرار گیرد، زیرا هر اندازه در جهت ایجاد جامعه مدنی پیش می‌رویم، جامعه بزرگ‌تر و دولت کوچک‌تر شده و به هر میزان در جهت دولت اقتدارگرا حرکت کنیم، دولت بزرگ‌تر و جامعه کوچک‌تر می‌شود. <http://www.daneshju.ir/forum/archive/t-74833.html>

جوامع دیگر به طور خاص، در گرو استفاده درست از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در چارچوب دیپلماسی فرهنگی است، تنها با ابزارهایی از جنس فرهنگ می توان در عمق باورها و اعتقادات ملت ها رسوخ کرد و ائتلاف ها و اتحادیه هایی پایدار را در نظام بین الملل بنیان نهاد. بنابراین اگر فرهنگ را به صورت داد و ستد و یا تولید و باز تولید و مبادله پخش معنا میان اعضای یک جامعه و نیز جامعه بین المللی تعبیر کنیم، سازمان های غیردولتی به عنوان یک بازیگر روابط بین المللی نقش عمده ای در آن دارند. انجمن های دوستی به عنوان صورت بندی ویژه ای از سازمان های غیردولتی و نمادی از علاقه مندی گروه های انسانی به سرنوشت مشترک بشری یکی از این زمینه ها هستند.

اشاعه فرهنگ^۱

اشاعه فرهنگ به طور کلی از راه های انتقال عناصر فرهنگ میان جوامع می باشد، قابلیت انتقال فرهنگ و اکتسابی بودن آن موجب شده است ملل مختلف به گونه ای اختیاری و ارادی یا غیرارادی به مبادله عناصر مختلف فرهنگ جامعه خود با جوامع دیگر بپردازند. از آن جا که فرهنگ واگیردار است و همیشه فرهنگ ها با یکدیگر در ارتباط بوده اند اشاعه فرهنگی نیز به طور مداوم در طول تاریخ رخ داده است و این پدیده تاکنون ادامه دارد. بدین معنا که سنت ها، اعتقادات، روش ها، قصه های عامیانه، ابزار و امور زینتی و غیره ممکن است از جامعه یا فرهنگی به سایر جوامع اشاعه یابد و در آن رواج پیدا کند. در طول تاریخ و در کلیه مکان ها، امر اشاعه فرهنگ تحت تأثیر دو عامل «تمایل» و «ارتباط» بوده است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۴۳).

روابط فرهنگی^۲

روابط فرهنگی چیست؟ روابط فرهنگی یعنی ارتباط و روابط همه جانبه رسمی و غیررسمی در زمینه ارتباطات فرهنگی، هنری، علمی - آموزشی و ورزشی بین یک کشور با کشور دیگر و با سازمان های فرهنگی، علمی و آموزشی، منطقه ای و بین المللی. این روابط گاه در چارچوب موافقت نامه های فیما بین و به صورت رسمی و گاه به صورت غیررسمی بین

1. Culture diffusion
2. Cultural Relations



نهادهای یک کشور با افراد و نهادهای کشور دیگر رخ می‌نماید. در چند دهه اخیر، با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت، افزایش قدرت نهادهای مدنی، انجمن‌های مردم نهاد و ناتوانی دولت‌ها در کنترل شهروندان روابط فرهنگی از چنبره کنترل دولت‌ها خارج شده و مؤسسات و اشخاص در اقصی نقاط جهان بدون دخالت دولت، انواع ارتباطات و همکاری‌ها را به منصفه ظهور می‌رسانند، در واقع چنین برمی‌آید که در روابط فرهنگی خارجی کشورها، قدرت و نقش دولت کاهش یافته و برعکس، نهادهای جامعه مدنی و شبکه‌های ارتباطات شخصی و گروهی بسط و کنترل یافته است. (امیری، ۸۷). از نظر جی. ام مایکل برخلاف دیپلماسی فرهنگی که عرصه‌ای است که دولت‌ها در آن فرهنگ خود را در قالب‌های رسمی ارائه می‌کنند و یا اجازه چنین فعالیت‌هایی را به طرف مقابل می‌دهند، روابط فرهنگی بسیار گسترده‌تر است و شامل فعالیت‌های فرهنگی و تأثیر مؤسسات و نهادهای خصوصی و غیردولتی بر یکدیگر نیز می‌شوند. ابزارها و زمینه‌های روابط فرهنگی نیز شامل (اطلاعات و کتاب، مبادله افراد، زبان و آموزش آن، هنرها، فعالیت‌های علمی - آموزشی و رسانه‌های جهانی و تکنولوژی جدید ارتباطات) می‌باشند. اما هرچند که وی مفهوم روابط فرهنگی را وسیع‌تر و کلی‌تری از مفهوم دیپلماسی فرهنگی می‌داند، در عمل آنچه توضیح می‌دهد بعد دیگری از دیپلماسی است. مایکل تنها بر آن عوامل و عناصر روابط فرهنگی تأکید می‌کند که می‌تواند مقوم دیپلماسی بوده و دولت‌ها را در رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی یاری رساند. درست است که این عوامل و عناصر در خارج از حیطه دیپلماسی قرار دارند و به همین دلیل عنوان روابط فرهنگی به خود می‌گیرند اما در نهایت در خدمت دیپلماسی و اهداف سیاسی - اقتصادی دولت‌مردان هستند. (سلیمی، ۱۳۷۹: ۶۹-۷۱).

دیپلماسی فرهنگی^۱

به تعبیر «آشوری»، تعریف «دیپلماسی» با توجه به ویژگی مشترک آن - یعنی تلاش برای کاربرد ابزارهای مسالمت‌آمیز در مدیریت مناسب خارجی می‌تواند کاربردی‌ترین تعریف از این واژه باشد. چنانکه برخی آورده‌اند:

«دیپلماسی عبارت است از مجموعه تدابیر و اعمالی که عمدتاً با استفاده از طریق مسالمت‌آمیز برای حصول حداکثر توافق و تفاهم در میان انبوه اختلاف‌های صحنه روابط

بین‌الملل، برای حفظ منافع ملی و اجرای سیاست خارجی، به کار گرفته می‌شود.» (افتخاری، ۱۳۸۸: ۱۳). نوعی از دیپلماسی نیز در حوزه فرهنگ و با استفاده از سازوکارها و ابزارهای فرهنگی در راستای افزایش منافع ملی، قدرت نفوذ و کاهش آسیب‌پذیری کشور به عنوان «دیپلماسی فرهنگی» شناخته شده است. (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷: ۴۴). به طور خلاصه دیپلماسی فرهنگی «مجموعه کوشش‌های یک دولت در زمینه سیاست خارجی است که به جای استفاده و یا در کنار استفاده از مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی برای جلب توجه و علاقه مخاطبان کشورهای دیگر به طور مستقیم و از طریق امکانات غیرسیاسی در داخل جوامع مختلف، در آن‌ها تاثیر می‌گذارد» (حقیقی، ۱۳۸۶: ۶۶).

اهداف دیپلماسی فرهنگی عبارتند از:

۱. کسب وجهه بین‌المللی در میان اقوام و ملت‌ها و اثرگذاری بر رفتار آن‌ها؛ ۲. ایجاد نهادهای علمی، فرهنگی جدید به منظور برقراری روابط پایدارتر و صمیمیت بیشتر میان جوامع مختلف؛ ۳. فهم دقیق اصول موجود در فرهنگ سایر ملت‌ها و کنکاش در ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگر جوامع با هدف ارتقاء درک متقابل میان ملت‌ها.

مبانی دیپلماسی فرهنگی

۱. شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مبدأ.
 ۲. شناخت سیاست‌های فرهنگی کشور مقصد.
 ۳. شناخت فرهنگ به عنوان قدرت نرم.
- افکار عمومی به عنوان زمینه اعمال قدرت نرم و توجه به دیپلماسی نوین (بازیگران غیردولتی و بین‌دولتی و اهمیت تکنولوژی ارتباطات) (همان منبع: ۷۸-۷۶).

سازمان‌های غیردولتی

رشد پذیرش تنوع و گونه‌گونی خواست‌ها، آراء، عقاید و اهداف از یک سو، و درک تمایز حوزه سیاسی و حوزه اجتماعی از سوی دیگر، مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد و فعالیت نهادها و شکل‌های غیردولتی را فراهم آوردند؛ بنابراین حق تشکیل انجمن‌ها و تجمعات، به تدریج به عنوان امری طبیعی در نظام‌های اجتماعی و در حقوق اساسی بسیاری از دولت‌ها، جایگاه ویژه‌ای یافت و در پی آن ده‌ها و صدها سازمان غیردولتی، البته در درون مرزهای ملی





رو به عرصه فعالیت نهادند. بعدها این ساختار، تکامل یافت و به اهرمی تبدیل شد که می‌توانست با بهره‌گیری از مهم‌ترین عامل قدرت خویش - یعنی کسب قدرت و مشروعیت از مردم - به اعمال فشار بر دولت برای تغییر در وضعیتی نامطلوب، توجه به اموری خاص و یا انجام فعالیتی ویژه بپردازد. در پی این رشد و توسعه، هم دولت‌ها و هم سازمان‌های بین‌المللی بر آن شدند تا با ارائه و تدوین سازوکارهایی خاص، انرژی سرشار سازمان‌های غیردولتی را نهادینه ساخته در جهت اعتلای اهداف خود با جامعه ملی و بین‌المللی به‌کار گیرند. تدوین قطعنامه ۳۱/۱۹۹۶/E در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل که ناظر بر روابط مشورتی^۱ میان سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد و ارگان‌های تابعه آن است، اوج موفقیت سازمان ملل در نهادینه‌سازی این روابط به‌شمار می‌آید. (گلشن پژوه، ۱۳۸۱: ۷) در اصطلاح رایج امروز NGOs کوتاه شده «Non Governmental Organizations» است، به معنای سازمان‌های غیردولتی؛ که به شکل‌ها، انجمن‌ها، کانون‌ها و نهادهای مردمی گفته می‌شود و در ایران اخیراً جهت بومی‌سازی رویکردها و جهت‌گیری‌ها و تحول در این سازمان‌ها متناسب با شرایط ایران، واژه سمن را جایگزین NGO نموده‌اند. سمن، کوتاه شده «سازمان‌های مردمی نهاد» است.^۲ هم اکنون سازمان‌های غیردولتی در دو سطح داخلی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند و در سراسر جهان گسترش چشم‌گیری یافته‌اند، آن‌ها مشارکت افراد جامعه را در فرآیند توسعه تقویت می‌کنند (سعیدی، ۱۳۸۱). پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی هر کدام تعاریفی را در این خصوص ارائه نموده‌اند. تعریف «دایان اتو» از سازمان غیردولتی به عنوان یک پژوهشگر چنین است:

«یک سازمان غیردولتی، شخصیتی غیرانتفاعی است که اعضای آن، شهروند یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشور است که نوع فعالیت آن به منظور پاسخ‌گویی به احتیاجات افراد جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌نماید، تعیین می‌شود.» (گلشن پژوه، ۱۳۸۱: ۱۱)

انجمن‌های دوستی

از اوایل دهه ۱۹۹۰ سازمان‌های غیردولتی با ساختارهای توانمندی در روند تعامل با جامعه

۱. برای اطلاع بیشتر از جایگاه مشورتی و نهادهای مرتبط با امور سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل به کتاب راهنمای سازمان‌های غیردولتی، محمودرضا گلشن پژوه از انتشارات ابرار معاصر مراجعه شود.

2. <http://sociologyofiran.com>

جهانی، فعال بوده و می‌توانند به‌عنوان پیک فرهنگی مناسبی در راستای حضور ملت‌ها در جهان کنونی و مشارکت در امور گوناگون، چه در سطح ملی چه در سطح فراملی در نظر گرفته شوند. در این وادی، انجمن‌های دوستی به‌عنوان نمادی از سازمان‌های غیردولتی و تبلوری از علاقه‌مندی گروه‌های انسانی به سرنوشت مشترک بشریت هم شکل گرفته‌اند. (نشریه اقتصاد ایران: ۱۳۸۵). موضوع پیگیری تأسیس این انجمن‌ها، نخستین بار در سال ۷۳ توسط شورای معاونان وزارت امور خارجه به واحدی تحت عنوان مرکز هماهنگی انجمن‌های دوستی، زیر نظر معاونت آموزش و پژوهش وزارت متبوع، سپرده شده است.

تعریف انجمن دوستی: «صورت‌بندی ویژه‌ای از سازمان‌های غیردولتی است که اغلب توسط افراد نخبه و علاقه‌مند به گروه‌های انسانی، در یک کشور، برای گسترش و تحکیم روابط دوستی با سایر کشورها به‌منظور پیشبرد اهداف مشترک تشکیل شده و به فعالیت می‌پردازد».

ساختار انجمن‌های دوستی مانند شکل‌های غیردولتی (NGO) می‌باشند که متشکل از افراد نخبه و فرهیخته در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، علمی، دانشگاهی، هنری و اجتماعی هستند. این انجمن‌ها دارای اساسنامه می‌باشند که پس از ثبت رسمی آن در وزارت کشور دارای شخصیت حقوقی مستقلی شده و می‌توانند در حوزه‌های یاد شده در راستای منافع ملی کشور فعالیت نمایند. در اساسنامه اهداف، برنامه‌ها، چگونگی عضویت، ارکان انجمن شامل هیأت مؤسس، هیأت امناء، مجمع عمومی، هیأت مدیره، بازررس و نیز کمیته‌های اجرایی و تخصصی مشخص می‌گردد. این انجمن‌ها در راستای پیشبرد اهداف خود از میان افراد واجد شرایط و علاقه‌مند به همکاری‌های دوستانه اقدام به عضوگیری نیز می‌نمایند. انجمن‌های دوستی دارای چهار کمیته اصلی اجرایی می‌باشد: ۱. کمیته فرهنگی هنری ۲. کمیته علمی آموزشی فنی ۳. کمیته اجتماعی و ارتباط با سازمان‌ها و مجامع بین‌الملل ۴. کمیته اقتصادی بازرگانی.

اهداف کمیته‌های فرهنگی این انجمن‌ها (مورد نمونه انجمن دوستی ایران و عراق) به شرح ذیل می‌باشد:

فراهم کردن زمینه‌های مبادله هیأت‌های فرهنگی هنری؛ ایجاد زمینه‌های لازم برای مبادله برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، فیلم و موسیقی؛ برگزاری جلسات مشترک برای معرفی دانشمندان، شعرا، ادبا و نویسندگان دو کشور؛ ترجمه و چاپ آثار و مقالات دانشمندان،



نویسندگان، شاعران و هنرمندان دو کشور؛ برگزاری نمایشگاه‌های کتاب، عکس، نقاشی، صنایع دستی؛ برگزاری مراسم جهت بزرگداشت از مناسبت‌های ملی دو کشور؛ پیگیری و ارائه پیشنهادات مؤثر و مفید در گسترش زبان و ادبیات فارسی دو کشور؛ برقراری ارتباط با دانشمندان، اساتید، دانشجویان، دانش آموختگان دو کشور؛ برگزاری یادمان‌های مختلف و اعطای جوایز ویژه به برجستگان دو کشور؛ فراهم نمودن شرایط مبادله تیم‌های ورزشی و ایجاد تسهیلات برگزاری دوره‌های آموزشی، ورزشی و تبادل دانش فنی مریان و ایجاد هماهنگی میان فدراسیون‌های دو کشور؛ هماهنگی و راه‌اندازی و توسعه گروه‌های گردشگری بین مردم دو کشور؛ ارتباط و همکاری با دستگاه‌های دولتی و غیردولتی ذیربط دو کشور برای تحقق اهداف فوق.

برخی کارکردهای انجمن‌های دوستی در راستای دیپلماسی فرهنگی

۱. فعال کردن استعدادهای نهفته مردمی در راه بسط و گسترش روابط بین ملت‌ها
۲. انجمن‌ها موجب تعمیق ارزش‌ها و نهادهای مدنی در کشور و جامعه می‌گردند. به عبارتی دیگر خود انجمن‌ها نهادی مدنی‌اند و با تشکیل و فعال شدن آن‌ها اعضا تمرین نهادسازی مدنی پیدا می‌کنند و بدیهی است که این تجربه، به صورت گفتمان‌ها بروز کرده و نشر می‌یابد. یکی از راه‌های درونی کردن بومی ارزش‌های مدرن، که مورد نیاز جامعه معاصر ماست همین راه است؛ ۳. از سوی دیگر این نهادها، در ارتباط با نهادهای مشابه دیگر، و نیز ارتباط اعضا با هم‌تاهای خود در سایر کشورها، موجب مبادله طبیعی آموزه‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های تجربه شده اجتماعی بین جامعه ما و سایر جوامع شده و به نوعی گفتگوی بی‌سر و صدای فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منجر می‌شود؛
۴. انجمن‌های دوستی، به دلیل رویکرد مثبت افکار عمومی کشورها و جوامع به مشارکت‌جویی، مشارکت‌دهی و مشارکت‌پذیری جوامع و نظام‌ها، خودبه‌خود موجب بهبود «تصور» کشور نزد افکار عمومی سایر کشورها خواهند شد؛
۵. انجمن‌های دوستی از طریق ایجاد روابط عاطفی، شخصی، چهره‌به‌چهره و انسانی، می‌توانند نظر معطوف به همکاری نهادها، نخبگان و گروه‌های سایر کشورها را جذب نمایند و این امر به تلطیف رابط کشور در سطح کلان سیاست خارجی می‌انجامد و وجوه مختلف روابط را تسهیل می‌کند؛



۶. روابط بین نهادها، گروه‌ها و نخبگان اجتماعی، فارغ از روابط بین دولت‌ها، موجب بسط روابط در بدنه اجتماعی و احساس قربت، دوستی، همفکری بین بدنه اجتماعی کشور با کشور دیگر شده و این نزدیکی بدنه‌های اجتماعی، در جوامع دموکراتیک و مردم‌سالار، روی تصمیمات و سیاست دولت‌ها در رابطه با کشور ما تأثیرگذار خواهد بود؛

۷. با مقایسه این کارکردها و اهداف از پیش مطرح شده در مبحث دیپلماسی فرهنگی که در مجموع به اثرگذاری و نفوذ در کشور هدف و به‌طور کلی جامعه بین‌الملل منجر می‌شود می‌توان ارتباط فعالیت‌های انجمن‌های دوستی و میزان اهمیت آن را در این عرصه دریافت (حسنی، ۱۳۸۰).

توسعه و مفهوم آن

مفهوم توسعه، پس از جنگ جهانی دوم به‌صورت اصطلاحی فراگیر به کار رفته است. این مفهوم بسیار پیچیده و چند بعدی است و در آن رگه‌های ارزشی می‌توان یافت. توسعه در واقع نتیجه تکامل، تغییر، رشد، ترقی یا نوسازی است. علمای علوم اجتماعی از توسعه تعاریف گوناگونی داده‌اند. «دادلی سیرز» توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند. به عقیده وی توسعه، علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و برداشت‌های مردم است، توسعه در بسیاری از موارد عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز دربرمی‌گیرد. (لهسای زاده، ۱۳۸۷: ۸)

بیان مسئله

در دنیای کنونی تغییرات به‌وجود آمده ناشی از دو قرن پیشرفت علمی، اجتماعی و اقتصادی موجب شده تا روابط بین‌الملل، سیاست خارجی و دیپلماسی از وضع گذشته و سنتی خود به وضع تازه‌ای نقل مکان نماید. طبق تعریف دیپلماسی به عمل هدایت و اداره روابط میان دولت‌ها از طریق نمایندگان رسمی آن‌ها اطلاق می‌گردد (حقیقی، ۱۳۸۶: ۶۱). اما امروز دیپلماسی امری چندضلعی و یا به تعبیر دیگر چندوجهی است در شرایط فعلی جهان، دستگاه دیپلماسی دیگر نمی‌تواند فقط به ضلع روابط دولت با دولت بپردازد و از وجوه دیگر غافل باشد چرا که اساساً رفتار رسمی سیاست خارجی نمی‌تواند پوشش‌دهنده همه زوایا و وجوه مورد نیاز در روابط خارجی باشد بنابر این ناچار به به‌کارگیری دیپلماسی از



نوع فرهنگی است و به کارگیری این نوع دیپلماسی نیز نیازمند استفاده از همه ظرفیت‌های جامعه مدنی است. در عصر کنونی از فرهنگ به عنوان «قدرت نرم»^۱ در سیاست خارجی بحث می‌شود که عنوان دیپلماسی فرهنگی به آن می‌دهند. «زبان فرهنگ زبان ملایمی است که می‌تواند روابط رسمی را همراه با تفاهم هم‌چنان زنده نگه دارد.» (سلیمی، ۱۳۷۹: ۶۹) از طرفی بهره‌گیری از سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی، بین‌الدولی و بین‌المللی و تشکیل انجمن‌های دوستی با کشورهای مختلف یکی از عوامل ایجادکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم هستند (جوزف نای، ۸۳) که در نهایت منجر به محبوبیت دولت‌ها در افکار عمومی کشور مقصد و کسب اعتبار و حیثیت و وجه بین‌المللی برای دولت‌ها می‌شوند. چرا که این نهادها در ارتباط با نهادهای مشابه دیگر، و نیز ارتباط اعضا با هم‌تایان خود در سایر کشورها، موجب مبادله طبیعی آموزه‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های تجربه‌شده اجتماعی بین جامعه ما و سایر جوامع شده و به نوعی گفتگوی بی‌سر و صدای فرهنگ‌ها و تمدن‌ها منجر می‌شود. انجمن‌های دوستی از طریق ایجاد این گونه روابط، می‌توانند نظر معطوف به همکاری نهادها، نخبگان و گروه‌های سایر کشورها را جذب نمایند و این امر به تلطیف روابط کشور در سطح کلان سیاست خارجی انجامیده، وجوه مختلف روابط را تسهیل می‌کند. به این ترتیب مطالعه و بررسی درخصوص انجمن‌های دوستی، و پی بردن به نقاط ضعف و قوت آن‌ها در به کارگیری صحیح آن‌ها در عرصه بین‌الملل اهمیت پیدا می‌کند.

چارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق

چارچوب نظری یک الگوی مفهومی است که مبتنی بر روابط تئوریک میان شماری از عواملی است که در مسأله مورد پژوهش با اهمیت تشخیص داده شده‌اند. از آن‌جا که این تحقیق قصد دارد فعالیت‌های انجمن‌های دوستی به خصوص فعالیت‌های فرهنگی آنان را به عنوان نهادهایی مدنی در توسعه دیپلماسی فرهنگی در سطح بین‌المللی مورد ارزیابی قرار دهد در نتیجه سعی شده است از نظریه‌هایی چون «فراملی‌گرایی» و نظریه «قدرت نرم» استفاده شود چراکه این نظریه‌ها ضمن تأکید بر نقش بارز سازمان‌های غیردولتی در تعاملات بین‌المللی امروز، نقش اثرگذار فرهنگ در روابط بین کشورها را که به کسب اعتبار و نوعی

۱. جوزف نای به عنوان مبدع اصلاح قدرت نرم در تعریف قدرت نرم گفته است قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع. (Soft power)

از قدرت منجر می‌شود را نیز به‌عنوان اهرمی مناسب در دست این بازیگران غیردولتی مورد توجه قرار می‌دهند.

۱. **فراملی گرایی:** به‌طور کلی فراملی را می‌توان «حرکت عوامل محسوس و نامحسوس فراتر از مرزهای دولت زمانی که حداقل یک بازیگر آن نماینده یک دولت و یا یک سازمان بین‌الدولی نیست دانست.» بنابراین فراملی گرایی بر روابط و رای روابط دولت‌ها و میان کنشگرانی غیر از دولت‌ها تأکید دارد. این روابط و کنش‌گران بر کنش‌گران دولتی و روابط میان آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. ادبیات این نظریه همواره این سؤال نیز مطرح است که مبادلات و یا سازمان‌های فراملی چگونه سیاست بین دولتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به‌نظر آن‌ها در سطحی عام این روابط فراملی حساسیت جوامع را به یکدیگر افزایش می‌دهند و از این طریق در روابط میان حکومت‌ها تغییر ایجاد می‌کند. این مبادلات و سازمان‌ها می‌توانند پنج تأثیر اصلی داشته باشند که پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیمی بر حساسیت متقابل و از طریق آن بر سیاست میان دولت‌ها خواهند داشت. برخی از این آثار عبارتند از:

۲. **تغییرات نگرشی:**^۱ تعاملات میان اشخاص از کشورهای مختلف می‌توان باعث تغییر در افکار و برداشت‌های نخبگان و غیرنخبگان شود.

سازمان‌های فراملی نیز با شکل دادن به اسطوره‌ها، نمادها و هنجارهای جدید، ممکن است باعث ترویج نگرش‌های نوین شوند.

۳. **پیشبرد کثرت گرایی:**^۲ بین‌المللی منظور از آن پیوندهای میان گروه‌های ذی‌نفع ملی در ساختارهای فراملی است که معمولاً همراه با شکل دادن به سازمان‌های فراملی است که برای ایجاد هماهنگی تشکیل می‌شوند.

ظهور کنش‌گران جدید خودمختار یا شبه‌خودمختار در سیاست جهانی، سازمان‌های فراملی می‌توانند به‌عنوان کنش‌گران جدید در کنار دولت‌ها عمل کنند.

در مجموع نظریه‌پردازان لیبرال و لیبرال‌های جدید به غیر از دولت‌ها، بازیگران مهم دیگری چون سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی برای همکاری بین‌المللی در نظر دارند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در ایجاد فضای مناسب بر روابط فرهنگی بین‌المللی از طریق زیر مؤثر باشند که می‌توان آن‌ها چنین برشمرد: اطلاع‌رسانی پیرامون زمینه‌های

1. attitude

2. pluralism

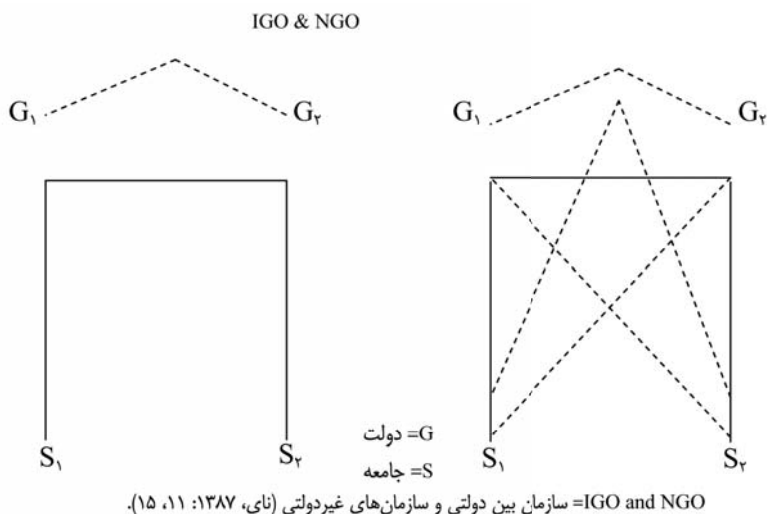




مناسب روابط فرهنگی؛ انعکاس آثار روابط فرهنگی - بین‌المللی بر صلح و امنیت بین‌المللی؛ ایجاد جو مناسب برای تعاملات فرهنگی؛ افزایش کمیت و دسترسی به کالاهای فرهنگی برای شهروندان و دولت‌ها و افزایش تمرکززدایی در ارتباطات فرهنگی؛ (مصفا، ۱۳۸۶: ۴۰۲-۴۰۷). قدرت نرم (مفهوم قدرت): در فرهنگ لغت آمده است که قدرت، توانایی انجام کارها یا کنترل کردن دیگر است رابرت دال، به‌عنوان یک اندیشمند برجسته سیاسی، معتقد است قدرت، توانایی [فرد یا گروه] در ترغیب دیگران به انجام کاری است که در غیر این صورت، آن را انجام نمی‌دادند. در ارتباط با قدرت چیزی وجود دارد که برخی اوقات از آن با عنوان «چهره دوم قدرت» یاد می‌شود، این جنبه از قدرت، بدین معناست که کاری کنیم دیگران آنچه را طلب کنند که ما می‌خواهیم. این چهره دیگر قدرت را می‌توان قدرت غیرمستقیم یا رفتار جذب‌کننده قدرت نامید. توانایی رسمیت بخشیدن به ترجیحات، با منابع غیرملموس قدرت همچون فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها مرتبط است. این بعد را می‌توان با عنوان قدرت نرم در نظر گرفت که در نقطه مقابل قدرت سخت و تحکم‌آمیز قرار دارد. به‌طور خلاصه جهانی‌شدن فرهنگ یک کشور و توانایی آن در برقراری مجموعه‌ای از قواعد و هنجارهای قابل‌پذیرش که حوزه‌هایی از فعالیت بین‌المللی را در اختیار خود قرار دهند، منابعی عمده برای قدرت محسوب می‌شوند. (نای، ۱۳۸۷: ۹۵-۹۸). «جوزف نای» به همراه همکارش «روبرت کوهن» بنیان‌گذار رویکرد نئولیبرالیسم در عرصه روابط بین‌الملل شناخته شده است. رویکرد نئولیبرالیسم در واقع در پاسخ به رویکرد نئورئالیسم عرضه شد. این رویکرد سرشت آنارشیستیک نظام بین‌المللی را رد نمی‌کند، اما معتقد است در خصوص اهمیت خصلت هرجومرج گونه نظام بین‌المللی و آثار آن اغراق‌گویی شده است. نئولیبرالیست‌ها معتقدند در نظام غیرمتمرکز بین‌المللی، طیف متنوعی از همکاری‌ها می‌تواند صورت پذیرد. به عقیده جوزف نای و همکارانش، پیگیری رویکردی واقع‌گرایانه نسبت به سیاست جهانی، سبب بی‌توجهی به انبوهی از اطلاعات بسیار مهم می‌شود. همان‌طور که (شکل ۱) نشان می‌دهد، واقع‌گراها، مطالعات خود را بر تعاملات دولت با دولت متمرکز می‌کنند. در این رویکرد، جوامع داخلی کشورها، تنها از طریق دولت‌هایشان بر این تعاملات تأثیر می‌گذارند. اما آن‌ها احساس می‌کردند تعامل‌های مستقیم فراملی شهروندان و گروه‌ها با دولتی دیگر و تعامل‌های میان سازمان‌های بین‌دولتی، اغلب ائتلاف‌های جالب توجه جدیدی ایجاد می‌کنند و بر سیاست تأثیر می‌گذارند. بر این اساس داده شد که در عرصه

سیاست جهانی، شبکه‌ای پیچیده از روابط و تعامل‌ها در جریان است بدین خاطر در نمودار دوم، این شبکه پیچیده به صورت یک ستاره نشان داده شده است. به واسطه انقلاب اطلاعاتی و روند برقراری دموکراسی، شمار بیشتری از شهروندان در سراسر جهان به قدرت دسترسی پیدا کرده‌اند. انقلاب جهان اطلاعاتی و جهانی شدن،

در حال قدرت بخشیدن به بازیگران غیردولتی، در عرصه مسائل فراملی است؛ به گونه‌ای که موقعیت این بازیگران در مقایسه با دهه ۱۹۷۰ بسیار مستحکم شده است. بدین ترتیب این شکل به عنوان مدلی مفهومی مقصود ما را از نحوه ارتباط سازمان‌های بین دولتی و یا غیردولتی با کشورها و میزان اهمیت شان در سیاست جهانی که به نحوی شامل دیپلماسی فرهنگی نیز می‌شود را نشان می‌دهد:



اهداف تحقیق

اهداف اصلی

شناسایی زمینه‌ها و ظرفیت انجمن‌های دوستی در توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی رسمی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر.

اهداف فرعی

۱. شناسایی قوانین، مقررات و سازکارهای فعالیت انجمن‌های دوستی بین جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها.



۲. بررسی میزان ارتباط و هم‌سویی فعالیت‌های رسمی فرهنگی کشور و فعالیت‌های انجمن‌های دوستی.

۳. شناسایی نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدهای (آسیب‌شناسی) انجمن‌های دوستی بین ایران با سایر کشورها و تدوین و ارائه راهبردهای مناسب جهت توسعه روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی.

سؤالات تحقیق

۱. انجمن‌های دوستی در توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چه نقشی ایفا می‌کنند؟

۲. وجود قوانین و مقررات مناسب به چه میزان در فعالیت‌های انجمن‌های دوستی بین جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها تأثیرگذار می‌باشد؟

۳. آیا بین فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی (دیپلماسی فرهنگی) کشور با فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل ارتباط (انطباق) وجود دارد؟

۴. آیا می‌توان از طریق آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی بین ایران با سایر کشورها از راهبردهای مناسب جهت توسعه روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی بهره جست؟

فرضیه تحقیق

۱. انجمن‌های دوستی نقش معناداری در توسعه روابط فرهنگی رسمی جمهوری اسلامی ایران با سایر ملل به همراه دارند.

۲. بین قوانین و مقررات مناسب با فعالیت‌های انجمن‌های دوستی بین جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها رابطه وجود دارد.

۳. بین فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل و فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی (دیپلماسی فرهنگی) کشور ارتباط وجود دارد.

۷. بین آسیب‌شناسی فعالیت‌های انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها و تدوین راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی رابطه منطقی وجود دارد.



فصلنامه علمی پژوهشی

۵۴

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

متغیرهای تحقیق و رابطه بین آنها

در این تحقیق انجمن‌های دوستی به عنوان متغیر مستقل^۱ و دیپلماسی فرهنگی به عنوان متغیر وابسته^۲ نقش ایفا می‌کند. رابطه انجمن‌های دوستی و دیپلماسی فرهنگی فرضیه مثبت است یعنی هرچه بهره‌گیری از مؤلفه‌های فرهنگی اجرا شده توسط انجمن‌ها بیشتر باشد دیپلماسی فرهنگی نیز تقویت خواهد شد. شناخت درست اهداف، وظایف و بررسی فعالیت‌های انجمن‌های دوستی و شناسایی نقاط ضعف و قوت و فرصت‌ها و تهدیدات آن‌ها می‌تواند ضمن ارتقای سطح کیفی فعالیت‌هایشان به تبیین سازوکار مناسب و صحیح برای دیپلماسی فرهنگی یاری رسانده و در عمل باعث تقویت و بالندگی سیاست خارجی شود.

قلمرو تحقیق

هر تحقیقی را باید در سه بعد زمانی، مکانی و موضوعی محدود کرد. مشخصات این تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

قلمرو مکانی: انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها

قلمرو موضوعی: شامل شناسایی انجمن‌های دوستی و ظرفیت‌ها و قوانین مربوط به آن‌ها هم چنین موضوع روابط فرهنگی بین‌المللی رسمی (دیپلماسی فرهنگی) و نقش انجمن‌های دوستی به عنوان یک سازمان غیردولتی و مردم‌نهاد در توسعه این نوع از دیپلماسی است.

قلمرو زمانی: قلمرو زمانی این تحقیق در واقع از سال ۱۳۷۳ یعنی از زمانی شروع می‌شود که طبق مصوبه هیأت وزیران تشکیل انجمن‌های دوستی در کنار دستگاه رسمی دیپلماسی کشور به واسطه گسترش ارتباطات جهانی و توسعه دیپلماسی عمومی، به عنوان یک ضرورت تشخیص داده شد تا کنون (۱۳۸۹) که تشکیل آن‌ها یک روند افزایشی داشته است ادامه دارد.

روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

روش کار این تحقیق به صورت توصیفی و کاربردی می‌باشد در پژوهش توصیفی اطلاعات مورد نیاز متغیرها بدون دستکاری و کنترل جمع‌آوری می‌شود و نگرش اعضای نمونه آماری به جامعه آماری تعمیم داده می‌شود.

۱. متغیر مستقل، متغیری است که روی متغیر وابسته بصورت مثبت و یا منفی تاثیر می‌گذارد.

۲. متغیر وابسته، متغیری است که هدف محقق تشریح یا پیش‌بینی تغییرپذیری در آن است.



جامعه آماری

جامعه آماری، حوزه تعمیم نتایج و یافته‌های پژوهش است از این‌روی جامعه آماری در بر دارنده کلیه افراد مورد بررسی است که پژوهشگر از میان آنان واحدهای نمونه خود را گزینش می‌کند. لذا جامعه آماری پژوهش حاضر، واحد تحلیل و واحد مشاهده رؤسای انجمن‌های دوستی، اعضای آن‌ها و نمایندگان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور و مدیران و کارشناسان فرهنگی آشنا با فعالیت انجمن‌های دوستی می‌باشند.

ابزارهای گردآوری داده‌ها و اطلاعات

پس از ارائه فرضیات، تعریف مفاهیم، تعریف عملیاتی و تعیین مقیاس، شاخص‌ها و مشخص شدن چگونگی سنجش و اندازه‌گیری واقعیت، می‌بایست معرف‌ها و شاخص‌های آن در قالب ابزار یا ابزارهایی قرار گیرند تا به کمک آن ابزار، داده‌های مورد نیاز به‌صورت بایسته جمع‌آوری گردد. با توجه به روش مطالعه (روش پیمایشی)، ویژگی موضوع مورد مطالعاتی و نیز تنوع و تعدد متغیرهای تحقیق از ابزار و تکنیک‌های مختلفی در اخذ اطلاعات مورد نیاز استفاده شده است. آمارنامه‌ها، اطلاعات طبقه‌بندی شده و ثانویه و اطلاعات موجود و نیز پرسشنامه نظرسنجی از منابع و ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش هستند. با این وجود پرسشنامه محقق ساخته، که به‌صورت کتبی - حضوری در جامعه مورد مطالعه اعمال شد مهم‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به‌شمار می‌آیند. هر یک از پرسش‌ها براساس فرضیه‌های پژوهش برای سنجش و اندازه‌گیری مفاهیم و متغیرهای فرضیه‌ها طراحی شده است. نیت، تلاش و سعی بر آن است تا با تهیه پرسشنامه‌ای جامع‌تر و کامل‌تر به توان داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر را با درجه بالایی از اعتماد و روائی به دست آورد. دقت در مفاهیم، گویه‌ها، جداول، ترتیب پرسش‌ها و غیره از جمله تلاش‌هایی است تا یک ابزار دقیق‌تر گردآوری داده‌ها تهیه و استفاده شود.

تعیین اندازه نمونه

با انتخاب چه تعداد نمونه در یک پژوهش می‌توان با اطمینان، نتایج آن پژوهش را به جامعه بزرگ‌تر تعمیم داد. نوع مطالعه، جامعه آماری و ویژگی‌های آن و از همه مهم‌تر تجانس و همگنی پدیده پژوهش، نوع نمونه‌گیری و... بر انتخاب نمونه مؤثر است. اما عموم



فصلنامه علمی پژوهشی

۵۶

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

پژوهشهای اجتماعی- فرهنگی از فرمولهای آماری و ویژه‌های استفاده می‌کنند و براساس آن به نمونه‌گیری مبادرت می‌ورزند. در پژوهش حاضر براساس فرمول معروف برآورد نمونه کوکران تعداد و حجم نمونه افراد مورد مطالعه را محاسبه نموده ایم.

(تعداد نمونه) $n = 200$ نفر

(حجم جامعه آماری) $N = 500$ نفر

(احتمال وجود صفت) $P = 0.5$

(عدم احتمال صفت) $q = 0.5$

(احتمال صحت گفتار) $t = 1.96$

(خطای نمونه گیری) $d = 0.05$

$$n = \frac{\frac{t^2 \times p \times q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \times p \times q}{d^2} - 1 \right)}$$

با توجه به اینکه از مجموع تعداد کل نمونه تنها ۲۰۰ پرسشنامه دریافت گردید، بنابراین اطلاعات آماری و تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق براساس آن صورت گرفته است.

اعتبار یا پایایی ابزارهای اندازه گیری

اعتبار یا پایایی مسئله کمی و تکنیکی است و بیشتر ناظر به این سؤال است که ابزار اندازه‌گیری با چه دقت و صحتی پدیده یا صفت مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کند. اصولاً برای محاسبه انسجام درونی ابزار اندازه‌گیری زمانی که مقیاسی از نوع لیکرت وجود داشته باشد (همانند این تحقیق) و محقق بخواهد از طریق گویه‌های مختلف یک مفهوم پیچیده را اندازه گیری کند برای سنجش انسجام درونی مقیاس می‌توان از آماره آلفای کرونباخ استفاده کرد. اگر مقدار بدست آمده از آماره آلفای کرونباخ بیشتر از ۰,۷۰ باشد پایایی ابزار اندازه‌گیری، قابل قبول تلقی می‌گردد. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در این پژوهش برای ۲۵ گویه مورد آزمایش برابر ۰,۹۳ می‌باشد. از آنجا که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده به عدد یک نزدیک است نشانگر این است که گویه‌های مطرح شده در این تحقیق از نظر درونی با هم همبستگی زیادی دارند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده به منظور تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری می‌باشد که در قالب آزمون‌های آماری به اطلاعات ارزشمند تبدیل می‌شوند. در واقع تجزیه و تحلیل داده‌ها برای



بررسی صحت و سقم فرضیات برای هر نوع تحقیق از اهمیت خاصی برخوردار است و از اصلی ترین بخش های تحقیق محسوب می شود. در تنظیم اطلاعات و داده ها و عرضه آن، از متدوال ترین ابزار و تکنیک های آماری موجود در مجموعه نرم افزار آماری (spss) استفاده گردیده است. توصیف پاسخ سؤالات عمومی و تخصصی در پرسشنامه و آزمون فرضیات و استنباط از نتایج آماری از ویژگی های دیگر این پژوهش است.

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه اول: انجمن های دوستی نقش معناداری در توسعه روابط فرهنگی رسمی ج.ا. با سایر ملل به همراه دارند.

H_0 : بین انجمن های دوستی و توسعه روابط فرهنگی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین انجمن های دوستی و توسعه روابط فرهنگی رابطه وجود دارد.

مطابق آزمون فرضیه اول، ضریب همبستگی اسپیرمن این دو متغیر ۹۹/۰ و در سطح ۰۰۰/۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه میزان عملکرد انجمن های دوستی بیشتر می شود روابط فرهنگی رسمی نیز توسعه بیشتری می یابد. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۹۹ درصد از موارد این امر امکان پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم می باشد. بنابراین ضمن رد H_0 ؛ H_1 پژوهش مبنی بر رابطه بین «انجمن های دوستی و توسعه روابط فرهنگی» تأیید می شود. شدت ارتباط این دو متغیر ۹۹/۰ در سطح بالایی ارزیابی می شود.

آزمون فرضیه دوم: بین قوانین و مقررات مناسب با فعالیت های انجمن های دوستی بین ج.ا. با سایر کشورها رابطه وجود دارد.

H_0 : بین قوانین و مقررات مناسب با فعالیت های انجمن های دوستی ایران و سایر کشورها رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین قوانین و مقررات مناسب با فعالیت های انجمن های دوستی ایران و سایر کشورها رابطه وجود دارد.

مطابق آزمون فرضیه دوم، ضریب همبستگی اسپیرمن این دو متغیر ۰/۸۳ و در سطح ۰۰۰/۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر اندازه قوانین و مقررات مناسب پیرامون انجمن های دوستی وجود داشته باشد به همان اندازه





فعالیت‌های آن‌ها از کیفیت و اثرگذاری بیشتری برخوردار می‌شوند. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۸۳ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم می‌باشد. بنابراین ضمن رد H_0 ; H_1 پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین «قوانین و مقررات مناسب با فعالیت‌های انجمن‌های دوستی ایران و سایر کشورها» تأیید می‌شود.

آزمون فرضیه سوم: بین فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل و فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی (دیپلماسی فرهنگی) کشور رابطه وجود دارد.

H_0 : بین فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل و فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی (دیپلماسی فرهنگی) کشور رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل و فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی (دیپلماسی فرهنگی) کشور رابطه وجود دارد.

مطابق آزمون فرضیه سوم، ضریب همبستگی اسپیرمن این دو متغیر ۰/۵۲ و در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر بین فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی ایران با فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل نوعی رابطه و انطباق وجود دارد. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۵۲ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل تعمیم می‌باشد. بنابراین با رد H_0 ; H_1 پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین «فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی ایران و فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در عرصه روابط بین‌الملل» تأیید می‌شود. شدت ارتباط این دو متغیر (۰/۵۲) در سطح متوسط ارزیابی می‌شود.

آزمون فرضیه چهارم: بین آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها و تدوین راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی رابطه منطقی وجود دارد.

H_0 : بین آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها و تدوین راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها و تدوین راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی رابطه وجود دارد.

مطابق آزمون فرضیه چهارم، ضریب همبستگی اسپیرمن این دو متغیر ۰/۷۸ و در سطح ۰۰۰/۰ معنی دار است و رابطه مستقیم و مثبت بین دو متغیر وجود دارد. به عبارت دیگر هر

اندازه آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها بیشتر مورد توجه قرار گیرد، راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی بهتر تدوین می‌شود. اما نه در صد درصد موارد بلکه در ۷۸ درصد از موارد این امر امکان‌پذیر است و این نتیجه قابل‌تعمیم می‌باشد. بنابراین H_1 پژوهش مبنی بر رابطه بین «آسیب‌شناسی فعالیت انجمن‌های دوستی ایران با سایر کشورها و تدوین راهبردهای مناسب جهت بهبود و توسعه روابط فرهنگی» تأیید می‌شود.

جمع‌بندی نتایج به‌دست آمده در این تحقیق

الف) نکات قابل توجه در نتیجه پردازش داده‌های آماری در رابطه با نظرات پاسخ‌دهندگان (غیر از موارد ضعف و تهدید):

- نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه روابط فرهنگی بین‌المللی قویاً تأیید شده است.
- اهمیت و نقش انجمن‌های دوستی نیز در ایجاد روابط پایدارتر و صمیمیت بیشتر میان کشورها به‌وسیله اجرای موافقت‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌ها و برنامه‌های مبادلات فرهنگی حائز اهمیت فراوان تشخیص داده شده است.
- از میان اهم فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی (نه مورد)، به ترتیب پنج مورد ذیل حائز اهمیت بیشتری تشخیص داده شده‌اند:

۱. تبادل اساتید و دانشجو؛
 ۲. انجام کارهای پژوهشی و تحقیقاتی به‌طور مشترک؛
 ۳. آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی؛
 ۴. فعالیت‌های رسانه‌ای و نمایش فیلم در کشور میزبان؛
 ۵. تبادل گروه‌های فرهنگی، علمی، آموزشی و گردشگری.
- استفاده از انجمن‌های دوستی در تمرکززدایی در ارتباطات فرهنگی مورد تأیید واقع گردیده است، همچنین انجمن‌های دوستی را به‌عنوان منبعی مؤثر برای گسترش قدرت نرم و استفاده در جهت اهداف سیاست خارجی به‌صورت زیاد تأیید نموده‌اند.
 - تأثیر پیشینه فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی در کیفیت فعالیت‌های انجمن‌های دوستی مؤثر ارزیابی شده است همچنین نقش انجمن‌های دوستی نیز در تبیین و ترویج این ارزش‌های تمدنی و فرهنگی زیاد ارزیابی شده است.



• از میان پنج کارکرد کلی انجمن‌های دوستی سه کارکرد ذیل به ترتیب پراهمیت‌تر از بقیه شناخته شده‌اند:

۱. تأثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای دیگر که از طریق اعمال دیپلماسی رسمی امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۲. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با سایر ملل جهان؛ ارزش‌هایی چون عدالت، مردم‌سالاری، آزادی، انسان دوستی و کرامت بشر.

۳. گسترش و توسعه روابط مردم با مردم که پایدار و درازمدت بوده و با تغییر حکومت‌ها از بین نمی‌رود.

• ضرورت همکاری نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور با انجمن‌های دوستی در انجام فعالیت‌های فرهنگی در حد خیلی زیاد تأیید شده است.

• افزایش کمی و کیفی انجمن‌های دوستی و مشارکت دولت در امر تجهیز و ایجاد تسهیلات مورد نیاز انجمن‌ها، در کسب موقعیت و ارتباط موفق با هم‌تایان خود در خارج از کشور مؤثر تشخیص داده شده است.

• بر اختصاص مقداری از درآمدهای حاصل از خدمات و تولیدات فرهنگی کشور به انجمن‌های دوستی از آنجائیکه به بهبود عملکرد و ایجاد رابطه قوی با انجمن‌های طرف دیگر منجر می‌شود تا حد خیلی زیاد تأکید شده است.

• آموزش نیروهای فعال در انجمن‌های دوستی برای دستیابی به اهداف ذکر شده در اساسنامه، لازم و مفید تشخیص داده شده است.

• ضرورت همکاری وزارت امور خارجه و ریزنی‌های فرهنگی با انجمن‌های دوستی در انجام فعالیت‌های فرهنگی بسیار زیاد ارزیابی شده است.

• تعداد زیادی از پاسخ‌دهندگان معتقدند تصدی‌های غیرضروری در برخی فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی دستگاه‌های دولتی باید به انجمن‌های دوستی واگذار گردد.

• بر واگذاری برخی فعالیت‌های نمایندگی‌های فرهنگی و یا اجرای آن‌ها به صورت مشترک با انجمن‌های دوستی به مقدار زیاد تأکید شده است.

• از شش مورد نقطه قوت انجمن‌های دوستی، سه مورد را دارای بیشترین اهمیت دانسته‌اند:

۱. پذیرش دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های خارجی و اعطای بورس تحصیلی به آن‌ها (از طریق انجمن‌های دوستی).



۲. وجود بعضی نمایندگی‌های انجمن‌های دوستی دو کشور در کشورهای طرف مقابل و همکاری متقابل آن‌ها.

۳. وجود اساسنامه مشترک و پیشنهاد فعالیت‌های فرهنگی انجمن دوستی

• از موارد فرصت (۱۴) مورد ۱۰ مورد به ترتیب از بیشترین درجه اهمیت برخوردار شده‌اند:

۱. امکان اجرای برنامه‌های مصوب سازمان‌های دولتی در قالب پروژه توسط انجمن‌ها؛
۲. کمک در اعزام گروه‌های رسانه‌ای و تحقیقی برای شناخت هر چه بهتر مسائل کشور میزبان؛

۳. کسب وجهه بین‌المللی در میان سایر اقوام و معرفی اهداف و نیات ملی از طریق فعالیت‌های انجمن‌های دوستی؛

۴. امکان استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای ارائه تصویر درست از ج.ا.ایران؛

۵. امکان تنظیم برنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های دوسویه و چندسویه با انجمن‌های هم‌تا؛

۶. گرایش بیشتر ملت‌ها به برنامه‌های رسانه‌ای و فرهنگی سازمان‌های غیردولتی از جمله انجمن‌های دوستی؛

۷. اجرای برنامه‌هایی که به دلیل وجود شرایط خاص (نقاط کور و ناممکن کار فرهنگی)، سفارت و رایزنی فرهنگی قادر به انجام آن نمی‌باشند؛

۸. توانایی تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشور میزبان بواسطه غنای فرهنگی و تمدنی ایران.

۹. استقبال نخبگان و مردم جوامع از فعالیت‌های انجمن‌های دوستی؛

۱۰. توانایی در ارائه و معرفی جاذبه‌های گردشگری و جذب توریست؛

ب) نکات قابل توجه ضعف‌ها و تهدیدات فعالیت‌های انجمن‌های دوستی در نتیجه پردازش داده‌های آماری به این ترتیب می‌باشند:

• مشخص گردید که جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی از ظرفیت‌های انجمن‌های دوستی دو کشور برای گسترش رابطه با سایر کشورها به میزان خیلی کم بهره برده است.

• اهتمام مسئولان و متولیان روابط فرهنگی ایران درخصوص شناخت ظرفیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی دو کشور و بهره‌گیری از آن‌ها کم ارزیابی شده است.

• قوانین و مقررات موجود برای فعالیت‌های انجمن‌های دوستی با سایر کشورها با ظرفیت کنونی آن‌ها متناسب تشخیص داده نشده است.

• میزان استفاده از مبحث آموزش در حال حاضر در جریان فعالیت‌های انجمن‌های دوستی خیلی کم ارزیابی شده است.

• مشخص گردید با توجه به بند ۱۲ از الویت‌های فرهنگی کشور که بر عدم تمرکز در امور اجرایی سیاست‌های فرهنگی تأکید دارد، قوانین و مقررات فعلی درخصوص انجمن‌های دوستی اجازه دخالت و همکاری مؤثرشان را در روابط فرهنگی بین‌المللی نمی‌دهد.

• هرچند شماری از افراد راهبردها، سیاست‌ها، روش‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی فعلی ج.ا.ا. در حوزه بین‌الملل را در ارتباط با فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی مؤثر و مقبول می‌دانند اما به‌طور کل افراد بیشتری از جامعه نمونه در این موضوع به دیده شک و تردید نگریسته‌اند. این خود لزوم یک بازنگری در این سیاست‌ها را گوشزد می‌نماید.

• هم‌چنین جامعه نمونه به مناسب بودن وضعیت فعلی مدیریت مناسبات فرهنگی بین‌المللی در بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی ج.ا.ا. برای خارج از کشور نیز به دیده شک و تردید نگریسته‌اند که البته داده‌ها در نمودار مربوطه بیشتر به سمت نشان دادن کمی میزان مناسبت نیل دارند.

• درخصوص میزان اهمیت دادن مسئولان و متولیان سیاست فرهنگی نسبت به استفاده از مراکز علمی و فرهنگی غیررسمی و فعال در خارج با بهره‌گیری از تجارب نمایندگی‌های ج.ا.ا. در خارج با دیده تردید نگریسته شده است که البته باز هم داده‌ها به سمت پایین (مقدار کم) گرایش دارند.

• سیستم فعلی ارزیابی فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی کشورمان با سایر کشورها از لحاظ کیفی در سطح پایین ارزیابی شده است.

• داده‌های آماری نشان می‌دهند که جمعیت نمونه نسبت به میزان مطابقت اهداف مطرح شده در کمیته‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی - فنی انجمن‌های دوستی با اصول سیاست‌های فرهنگی نیز دچار شبهه و تردید است، البته تا حدودی هم به سمت تأیید تطابق آن‌ها در نمودار مربوطه گرایش نشان داده شده است.

• مشخص گردیده انجمن‌های دوستی نیز در عرصه روابط بین‌الملل در مواجهه با همتایان خود به‌صورت محدود (کم) از تجارب نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ا. بهره‌مند می‌شوند.



• طبق داده‌های آماری در حال حاضر میزان استفاده دستگاه دیپلماسی کشور از توان انجمن‌های دوستی در راستای تحقق اهداف و الویت‌های دیپلماسی فرهنگی کشور کم ارزیابی شده است.

• از موارد ضعف در بحث آسیب‌شناسی (۱۵) مورد ۱۰ مورد به ترتیب از بیشترین درجه اهمیت برخوردار شده‌اند:

۱. نگرانی دستگاه‌های نظارتی از مشارکت و همکاری نخبگان کشور با انجمن‌های دوستی؛

۲. عدم هماهنگی رایزنی‌های فرهنگی دو کشور با انجمن‌های دوستی در اجرای برنامه‌ها؛

۳. محدود بودن اعزام گروه‌های گردشگری و دوره‌های آموزشی زبان دو کشور به‌ویژه زبان و ادبیات فارسی؛

۴. مراحل طولانی ثبت و صدور مجوزها و استعلام‌های لازم از وزارت‌خانه‌های ذیربط برای ثبت انجمن‌های دوستی، ضعف فرهنگ کار تیمی در انجمن‌های دوستی؛

۵. ضعف فرهنگ کار تیمی در انجمن‌های دوستی؛

۶. فاصله گرفتن تدریجی از اهداف تعیین شده در اساسنامه؛

۷. لحاظ نکردن امر آموزش در جهت ارتقاء کیفیت کارهای انجمن‌های دوستی؛

۸. عدم ایجاد انجمن هم‌تا در کشور مقابل و ضعف در استفاده از ظرفیت‌های قانونی و بومی جوامع میزبان در فعالیت‌های فرهنگی؛

۹. عدم همکاری و هماهنگی دستگاه‌های فرهنگی و سیاسی داخل و خارج از کشور؛

۱۰. عدم صرف وقت کافی اعضاء انجمن‌های دوستی و عدم مشارکت فعال و جدی آن‌ها.

• به موارد تهدید به ترتیب الویت‌های بدست آمده اشاره می‌شود:

۱. موکول گردیدن امور انجمن‌های دوستی به دستگاه‌های دولتی؛

۲. محدودیت‌ها، ملاحظات و حساسیت‌های سیاسی امنیتی کشور میزبان؛

۳. فضا سازی منفی علیه گسترش روابط و همکاری‌های علمی - آموزشی و فرهنگی ج.ا.ا. با سایر کشورها؛

۴. نامتناسب بودن محصولات و فعالیت‌های فرهنگی با ویژگی‌ها و نیازهای جامعه میزبان؛

۵. کم توجهی رسانه‌ها به انجمن‌های دوستی و عدم ترویج این رویکرد در سطح جامعه به عنوان نشانه‌ای از توسعه فرهنگی پایدار؛
۶. وجود تصویری نامناسب و غیرواقعی از ج.ا.ایران؛
۷. نگاه امنیتی دستگاه‌های نظارتی به فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی؛
۸. فقدان منابع علمی (ترجمه و پژوهش) در خصوص انجمن‌های دوستی؛
۹. محدودیت منابع مالی و عدم حمایت مادی و معنوی دولت از انجمن‌های دوستی؛
۱۰. عدم شناخت و توجه کافی مسئولین درمورد اهمیت فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌های دوستی.

نتیجه‌گیری از طریق یافته‌های تحقیق

در یک جمع‌بندی کلی با توجه به نتایج بدست آمده از ۸۶ سؤال مطرح شده می‌توان اذعان کرد که تمام پاسخ‌دهندگان که همه از مدیران، کارشناسان فرهنگی، رؤسا و اعضای انجمن‌های دوستی هستند به نقش مؤثر این انجمن‌ها در ایجاد دوستی و روابط پایدارتر میان مردم جوامع مختلف اعتقاد مصمم داشته و بر این باورند که از این طریق ضمن تمرکز زدایی در ارتباطات فرهنگی و تأثیر گذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای دیگر می‌توان به نمایش و ترویج بهتر ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران و سایر ملل پرداخت، در نتیجه فعالیت آن‌ها را برای توسعه دیپلماسی فرهنگی مفید می‌دانند. از آنجایی که در جریان تحقیق این نتیجه به دست آمد که بین قوانین و مقررات مناسب با فعالیت‌های انجمن‌های دوستی رابطه وجود دارد جامعه آماری ضمن تأکید بر ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های متولی دیپلماسی کشور و انجمن‌های دوستی، توجه مسئولان امر به این مقوله و مشارکت بخش دولتی در تجهیز و ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیت آن‌ها را ضروری می‌داند. هم‌چنین بر مبحث آموزش اعضای انجمن‌ها و واگذاری برخی فعالیت‌های فرهنگی بخش دولتی در قالب پروژه به انجمن‌های دوستی اصرار ورزیده‌اند. با این همه مشخص گردید از نظر جامعه نمونه به‌رغم تطابق نسبی فعالیت‌های انجمن‌های دوستی (اهداف مطرح شده در کمیته‌های انجمن‌ها) با فعالیت‌های رسمی فرهنگی بین‌المللی کشور، وضعیت فعلی مدیریت مناسبات فرهنگی بین‌المللی نابسامان بوده و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های متولی دیپلماسی کشور و انجمن‌های دوستی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی وجود ندارد به‌طوری که در حال حاضر میزان استفاده دستگاه دیپلماسی





کشور از توان این انجمن‌ها در راستای تحقق الویت‌های دیپلماسی فرهنگی ناچیز و هم‌چنین استفاده از تجارب نمایندگی‌های فرهنگی توسط انجمن‌های دوستی در مواجهه با هم‌تایان خود در کشورهای دیگر، کم‌ارزیابی شده است. ضعف سیستم نظارت و ارزیابی موجود بر فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌ها و تجربه اندک در این زمینه نیز خود مسئله‌ای است که مورد توجه قرار گرفته است. نکته قابل توجه، در باب نقاط ضعف و تهدید این است که اهم مواردی که در رأس الویت‌ها قرار گرفته‌اند از نوع موانع و مشکلات ذهنی - فرهنگی می‌باشند و مسائل ناشی از محدودیت‌های منابع مالی، قانونی و اداری از درجه اهمیت کمتری برخوردار شده‌اند که این خود بر لزوم ایجاد بستری فرهنگی جهت پذیرش فلسفه، کارکرد، لوازم و پیامدهای مثبت شکل‌گیری انجمن‌های دوستی دلالت می‌نماید. با توجه به مباحث از پیش گفته شده، می‌توانیم جهت تدوین راهبرد مورد نظر برای گسترش فعالیت‌های انجمن‌های دوستی و وارد کردن جدی‌تر آن‌ها به عرصه روابط فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی کشور موارد ذیل را برشماریم:

۱. ایجاد زمینه برای پذیرش فلسفه و ضرورت وجود انجمن‌های دوستی در روابط فرهنگی و سیاست خارجی در سطح جامعه و تشویق، ترغیب و وارد کردن شهروندان و نخبگان در نهادهای مدنی از جمله انجمن‌های دوستی با وجه تلقی معطوف به رویکرد مثبت به آن‌ها از طریق ایجاد فضای باز، اعتماد سازی و امنیت‌پردازی و ایجاد اعتماد به نفس توسط همه دستگاه‌های دولتی؛

۲. تهیه و تدوین مقررات شفاف، روشن و آسان برای تشکیل و فعالیت انجمن‌های دوستی به‌طوری که ضمن بیان مراحل ثبت و نوع مساعدت دستگاه‌ها، امکان دخالت و همکاری مؤثرشان را در روابط فرهنگی فراهم سازد.

۳. آموزش اعضاء و ارتقای مهارت آنان در به‌کارگیری علوم و فنون ارتباطی جدید و نهادینه کردن فرهنگ کار تیمی در انجمن‌های دوستی.

۴. محور قراردادن پیشینه فرهنگی و تمدنی ایرانی و اسلامی در برنامه‌های رسانه‌ای و فرهنگی سازمان‌های غیردولتی از جمله انجمن‌های دوستی برای خنثی کردن فضا سازی منفی علیه گسترش روابط و همکاری‌های علمی - آموزشی و فرهنگی ج.ا.ا با سایر کشورها به‌منظور کاهش محدودیت‌ها، ملاحظات و حساسیت‌های سیاسی - امنیتی کشورهای میزبان؛

۵. انجام فعالیت‌های فرهنگی انجمن‌ها به ترتیب الویت‌های مشخص شده باشد:

• کمک به تبادل اساتید و دانشجو؛

• انجام کارهای پژوهشی و تحقیقاتی به طور مشترک؛

• آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی؛

• فعالیت‌های رسانه ای و نمایش فیلم در کشور میزبان؛

• تبادل گروه‌های فرهنگی، علمی، آموزشی و گردشگری؛

• برگزاری مراسم‌ها و مناسبات ملی دو کشور به طور مشترک.

۶. واگذاری برخی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌های دولتی در قالب پروژه به انجمن‌های دوستی و یا برگزاری برخی فعالیت‌ها به صورت مشترک با نمایندگی‌های فرهنگی خارج از کشور توسط انجمن‌های دوستی، در کنار استفاده از ظرفیت‌های همدیگر باعث تقویت روحیه همکاری و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها شده و از طرفی زمینه کمک مالی بخش دولتی را فراهم می‌نماید.

۷. تشکیل انجمن‌های همتا در کشورهای مقابل برای سهولت در برقراری تماس و امکان اجرای برنامه‌ها با توجه به اشراف اعضاء مستقر در آن‌جا به مسائل مرتبط با آن کشور و همچنین تأثیرگذاری بیشتر آن بر جامعه میزبان.

۸. تخصیص بودجه به انجمن‌های دوستی در قالب بودجه کلی وزارت امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی که به صورت مستقیم مسئولیت سیاست خارجی و دیپلماسی فرهنگی کشور را به عهده دارند.

۹. جلب همکاری دیگر دستگاه‌های دولتی و شبه دولتی که وظایفشان فرهنگی - هنری است و یا در کنار وظایف اصلی این امور نیز می‌پردازند، نظیر بنیاد مستضعفان، شهرداری، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، وزارت علوم دانشگاه‌ها، وزارت آموزش و پرورش، سازمان میراث فرهنگی و صدا و سیما.

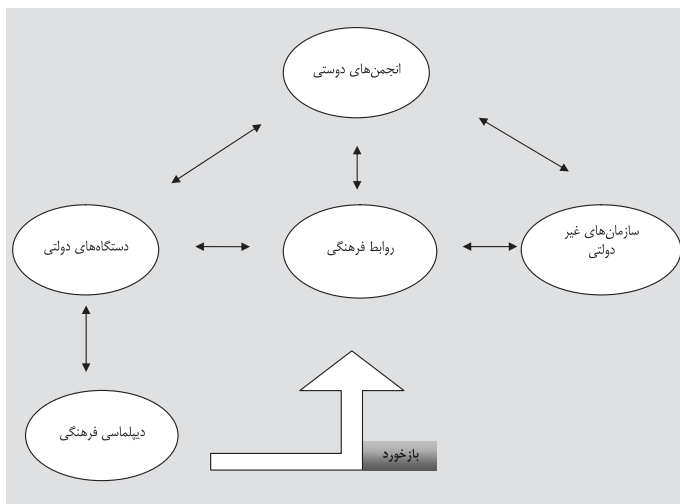
۱۰. ایجاد انگیزه مادی، از طریق پرداخت حقوق و دستمزد، هر انجمن فرد یا افرادی را، فراخور گستره فعالیت خود به کارگیرد. زیرا تجربه نشان داده است اگر انجمن‌ها بخواهند صرفاً به فعالیت داوطلبانه اعضاء متکی باشند، امور اجرایی آن‌ها مختل خواهد ماند.

۱۱. توافق بر سر احیای یک مرکز مدیریت واحد غیردولتی و در عین حال هماهنگ با اصول نظام به منظور رهبری، تعیین الویت‌ها، فراهم نمودن ملزومات و مطالعه بازخورد فعالیت‌های انجام پذیرفته توسط انجمن‌های دوستی، با همکاری وزارت کشور، وزارت



امور خارجه و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامي با هدف بهره برداري از توان و ظرفيت اين نهادها در تعاملات بين ملت‌ها و ديپلماسي فرهنگي.

ارائه مدل تحلیلی جایگاه انجمن‌های دوستی در روابط فرهنگی بین‌المللی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۸

شکل ۵-۱. مدل جایگاه انجمن‌های دوستی در روابط فرهنگی بین‌المللی و چگونگی تاثیرگذاری بر دیپلماسی فرهنگی

با توجه به این مدل می‌توان اذعان کرد که تمام فعالیت‌های فرهنگی انجام شده در محیط روابط بین‌الملل که از طریق دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های غیردولتی و در رأس آن انجمن‌های دوستی انجام می‌پذیرد در فضای روابط فرهنگی ظاهر گردیده و در نهایت توسط دستگاه‌های دولتی در شکل تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای فی‌مابین کشورها به شکل دیپلماسی فرهنگی به اجرا درمی‌آید. بدیهی است نتایج فعالیت‌های این حوزه از دیپلماسی نیز به صورت بازخورد مجدداً در روابط فرهنگی متجلی خواهد بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که انجمن‌های دوستی با تأثیری که در روابط فرهنگی بین‌المللی دارند در توسعه دیپلماسی فرهنگی نقش ایفا می‌کنند.

سال دوم،
شماره چهارم،
زمستان ۱۳۹۱

کتابنامه

افتخاری، اصغر؛ تغییر در فرهنگ سیاست خارجی، بازیابی جایگاه فرهنگ در سطوح سه گانه سیاست خارجی در دوره پس از جنگ سرد، **مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی**؛ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی - دانشگاه تهران - دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات بین‌المللی الهدی: ۱۳۸۶.

صالحی امیری، سیدرضا؛ **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**؛ نشر ققنوس: ۱۳۸۶.
ظریف، محمدجواد سجاده‌پور، محمدکاظم؛ دیپلماسی چندجانبه؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه: ۱۳۸۷.

گلشن‌پژوه، محمودرضا؛ **راهنمای سازمان‌های غیردولتی (NGOs)**، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران: ۱۳۸۱.
حقیقی، رضا؛ **فرهنگ و دیپلماسی در آینه دیپلماسی فرهنگی اتحادیه اروپا در قبال ج.ا.ایران**؛ انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ اول: ۱۳۸۶.

سلیمی، حسین؛ **فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر**؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول: ۱۳۷۹.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی؛ **جامعه‌شناسی توسعه**، دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم: ۱۳۸۶.
مصفا، نسرین؛ نقش سازمان‌های غیردولتی در روابط فرهنگی بین‌المللی، **مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردی ایرانی**؛ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشگاه تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات بین‌المللی الهدی: ۱۳۸۶.

ماهنامه ارتباطات فرهنگی شماره ۳۰: **مهندسی روابط فرهنگی**؛ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی: مرداد و شهریور ۱۳۸۷.

نای، جوزف اس؛ **قدرت در عصر اطلاعات**؛ مترجم دکتر سعید میرترابی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول: ۱۳۸۷.

حسنی، محمدحسن؛ **نگاهی به نحوه تشکیل و فعالیت انجمن‌های دوستی**؛ نشریه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها: دی ماه ۱۳۸۰.

حسنی، محمدحسن؛ **سیاست خارجی و انجمن‌های دوستی**؛ **نشریه اطلاعات** ۱۳۸۰/۷/۱۶.
دوستیابی انجمن‌های دوستی - جایگاه سازمان‌های غیردولتی در روابط بین‌الملل؛ **نشریه اقتصاد ایران**، فروردین ۸۷، شماره ۱۱۰.

فصلنامه سیاست خارجی؛ مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه، سال بیست و سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.

Mc Clellan, Michael. "Public Diplomacy in the Context of traditional Diplomacy", Presented 14 october 2004 in Vienna Diplomatic Academy.

Accessible at: <http://www.publicdiplomacy.org/45.htm#heado9>

<http://www.csmonitor.com>, orgaized by prof Hammond, airwar college, school organizer: emerson jahnsn, Margaret carpenter, awak office

Ipedia, <http://en.wikipedia.org/wiki/pubic-diplomacy>



فصلنامه علمی-پژوهشی